**[جوانان و مدگرايى](http://mokatebe.net/index.php/28/1195-2013-05-22-09-48-11)**

 جوانان و مدگرايي
 نوشته محمد صادق شجاعي
 برگرفته از دوماهنامه حديث زندگي، شماره 13، ص 13-17
 جوانان و مدگرايي
 مقدمه
 مُد و مُدگرايي پديده‏اي است كه كمابيش در ميان همه اقشار جامعه وجود دارد؛ اما در اين ميان، جوانان و نوجوانان بيش از ديگران به »مُد« اهميت مي‏دهند و »مُدگرا« هستند. امروزه جوانان با گسترش وسايل ارتباط جمعي و فناوري‏هاي جديد رايانه‏اي، ارتباطات گسترده‏اي با جوامع و فرهنگ‏هاي گوناگون يافته‏اند و موقعيت آنها در شناخت و فهم ارزش‏ها، باورها و انتخاب هنجارهاي مطلوب، پيچيده‏تر و مشكل‏تر شده است و چه بسا زمينه‏هاي موجود، باعث شده تا جوانان و نوجوانان به رفتارها و هنجارهاي متضاد با ارزش‏هاي جامعه خويش روآورند.
 يك روز مانتوهاي بلند و روز ديگر مانتوهاي كوتاه، يك روز آرايش موي سر به سبك آلماني و روز ديگر موهاي بلند و اصلاح نشده، زماني شلوارهاي با پاچه گشاد كه روي زمين كشيده مي‏شود، و زماني ديگر، شلوارهاي تنگ و كوتاه، مُد مي‏شوند. اگر از اين همه افرادي كه عادت كرده‏اند رفتار و نوع و سبك لباسشان‏را طبق آخرين مدهاي رايج تنظيم كنند، بپرسيد كه به چه علت اين كار را كرده‏اند، يا مثلاً اين آرم و كلمه روي لباس آنها چه كاركردي دارد، به سختي بتوان پاسخ متقاعد كننده‏اي شنيد، جز آن‏كه: »خُب، قشنگه!«، »براي اين كه مُده!«، »همه مي‏كنند!« و...
 اين پاسخ‏ها گرچه سطحي به نظر مي‏رسند، اما در يك تحليل روان‏شناختي نشان‏دهنده نوعي از »تعلّق گروهي«، »نوجويي«، »تنوّع‏طلبي« و گرايش جوانان به »امروزي شدن« است و كاملاً يك پديده طبيعي و بهنجار در جهت ارضاي اين نيازها محسوب مي‏شود؛(1) اما از آن‏جا كه همراه كالاي مُد شده، شيوه‏هاي رفتاري، هنجاري و ارزش‏هاي خاصي در بين جوانان و نوجوانان رونق و شيوع مي‏يابد و مد، عاملي مي‏شود براي انتقال هنجار و ارزشي از جامعه‏اي به جامعه‏اي ديگر، بررسي زمينه‏ها و پيامدهاي مدگرايي، يكي از موضوعات مهم در جامعه ما محسوب مي‏شود كه اين نوشتار، نگاهي است گذرا به همين موضوع.

 تعريف مُد و مدگرايي
 »مد«ها الگوهاي فرهنگي‏اي هستند كه توسط بخشي از جامعه، پذيرفته مي‏شوند و داراي يك دوره زماني نسبتاً كوتاه‏اند و سپس فراموش مي‏شوند.(2) بنابر اين، »مدگرايي« آن است كه فرد، سبك لباس پوشيدن و طرز زندگي و رفتار خود را طبق آخرين الگوها تنظيم كند و به محض آن‏كه الگوي جديدي در جامعه رواج يافت، از آن يكي پيروي نمايد.(3)

 گستره مد
 گستره مُد به اندازه گستره زندگي انسان است و تمامي شئونات آن‏را دربر مي‏گيرد. تغييرات مُدگونه، در: علوم و فنون، نظريه‏ها، گرايش به جنبه‏هاي مختلف علمي، الگوهاي تربيتي، سبك منش و رفتار، پوشش، آرايش، محيط آرايي و ... قابل تسرّي است.

 پوشاك و آرايش، شاخص كالاي مُد شونده
 با وجود آن‏كه مُد و مُدگرايي كُل گستره زندگي اجتماعي را دربر مي‏گيرد، پوشاك و سبك و شيوه آرايش، شاخص‏ترين كالاي مُد شونده محسوب مي‏شود.

 عوامل و زمينه‏هاي مُدگرايي
 در يك نگاه كلي و جامع‏نگر، مُدگرايي را مي‏توان ناشي از عوامل و زيرساخت‏هاي تاريخي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و روان‏شناختي دانست.
 ريشه‏هاي تاريخي مدگرايي به سال‏هاي بسيار دور برمي‏گردد. با نگاهي به تاريخ ايران، در عصر سلطنت فتحعلي شاه و ناصرالدين شاه كه پاي ايرانيان به فرنگ باز شد، تا عصر رضا شاه كه دوره حسّاسي را در تاريخ ايران رقم زد، فصل متفاوتي در مدگرايي ايرانيان گشوده شد.
 از آن زمان كه رضا شاه با سلطه سياسي بر كشور، نحوه و شكل لباس پوشيدن مردم ايران را تغيير داد، تاكنون، مُدهاي مختلف در ايران )و بخصوص در بين قشر جوان(، رايج گرديده است.

 مدگرايي و غرب‏گرايي
 گرچه مدگرايي و غرب‏گرايي دو مفهوم جدا از هم و داراي تعريف متمايز از يكديگرند، اما سير تحولات تاريخي - اجتماعي در ايران به گونه‏اي سرنوشت اين دو مفهوم را با هم گره زده است كه هرگاه سخن از مدگرايي به ميان مي‏آيد، مفهوم غرب‏گرايي نيز به ذهن، تبادر مي‏كند؛ زيرا پس از رشد تكنولوژي در اروپا، سنّت‏ها مورد انتقاد قرار گرفت و جامعه به تدريج، انديشه‏ها، طرز زندگي و نوع لباس را تغيير داد.
 همين‏طور در ايران و كشورهايي نظير آن، رشد صنعت در رأس شعارها قرار گرفت و خيلي زودتر از آن، نوع تفكر، طرز زندگي و آداب لباس پوشيدن، دستخوش تغيير شد.
 ميل به اروپايي شدن در جامعه ايراني باعث شد كه به جاي بازسازي و نوسازي چارچوب اقتصادي - اجتماعي جامعه خود، به نماها و نمادها و ظواهر صنعتي شدن توجه كنند كه مهم‏ترين نماي اروپايي شدن، پوشيدن لباس‏هاي اروپايي و ترويج مدهاي غربي به شمار مي‏رفت.
 ايرانيان بر اين باور شدند كه بايد خود و فرهنگشان را اروپايي كنند، تا بدين ترتيب از ضعف و عقب‏ماندگي رهايي يافته، در رديف كشورهاي پيش‏رفته قرار گيرند.
 بنابراين »مدگرايي« و »غرب‏گرايي« در ايران، در يك بستر فكري و دوشادوش هم رشد كرده‏اند. در حال حاضر نيز بيشترين مدهايي كه در جامعه و بخصوص در بين جوانان رايج مي‏شود، برگرفته از الگوهاي غربي و با همان انگيزه است.

 مُد و مدرنيسم
 مُد و مُدگرايي را مي‏توان از جهتي مولود مدرنيسم دانست؛ زيرا مدرنيسم، نگاه نو به عالم و آدم است؛ نگاه و شناختي كه برخاسته از زيستن در »اكنون« و گسستن از »گذشته« است و صريحاً با مفهوم سنّت (tradition) در تقابل مي‏افتد.
 »مدرنيته« كه شكل عينيت‏يافته فرهنگ مدرن است همراه و همزاد با گذر از گذشته به حال، نوآوري، تجدّد و سليقه و مُد است. از اين‏رو مدرنيته همواره خود را در ستيز و چالش با كهنگي، ركود، قدمت و سنّت و پيروي از هنجارهاي پايدار قرار مي‏دهد و كشش و تمايل آن به‏سوي تجدّد و نوآوري در فرهنگ و ارزش‏هاي اجتماعي است. بنابراين، مدگرايي و نوآوري در تفكر و رفتار )به معناي رايج آن( به عنوان نماد انديشه مدرنيسم قلمداد مي‏شود(4) و از آن‏جا كه جوامع غربي موطن و مظهر مدرنيته و مدرنيسم بوده‏اند، فرايند مدرنيزاسيون )مدرن‏سازي( و اشاعه طرح‏ها و مدهاي نو، در واقع با غربي‏سازي و غرب‏گرايي كاملاً هم‏اُفق و بلكه معادل خواهد بود، و اين، خود مي‏تواند از زاويه ديگر، رابطه مدگرايي و غرب‏گرايي را نشان دهد.

 عوامل و زمينه‏هاي روان‏شناختي مدگرايي در جوانان
 علاوه بر زيرساخت‏هاي تاريخي و اجتماعي، مدگرايي در بين جوانان از يك سري اصول و سازه‏هاي روان‏شناختي نيز تبعيت مي‏كند و با انگيزه‏ها و نيازهاي چندي در ارتباط است.

 1. تنوع‏طلبي و نوگرايي
 جواني، فصل تازه‏اي در زندگي و سرآغاز ورود انسان به جهان پرشور و رنگارنگ است كه غرايز طبيعي در شكل‏دهي آن، نقش اصلي را بر عهده دارند. استقلال‏طلبي، تنوّع‏دوستي، هيجان‏خواهي، نقد گذشته و نوگرايي از جمله ويژگي‏هاي دوران جواني است كه به شدّت، رفتارهاي جوانان را تحت تأثير قرار مي‏دهد. تمايل به امروزي شدن و نوگرايي به درجات مختلف در هر نوجوان وجود دارد و گواه نياز وي به شكستن قالب‏هاي موجود، فاصله گرفتن از هنجارهاي پيشين و رسيدن به هويّتي متمايز از كساني كه پيش از او بوده‏اند و همچنين گرايش به فاصله گرفتن از والدين است. اين نياز، زماني كه نمود بيروني به خود مي‏گيرد و در رفتار جوان منعكس مي‏شود، به صورت مدگرايي ظاهر مي‏گردد.

 2. مدگرايي و همانندسازي
 همانندسازي در مكتب روانْ‏تحليلگري به فرايندي ناهشيار اطلاق مي‏شود كه فرد، طي آن، ويژگي‏ها )نگرش‏ها و الگوهاي رفتاري(ي فرد ديگري را براي خود سرمشق قرار مي‏دهد و با تقليد از نگرش‏ها و ويژگي رفتاري وي احساس مي‏كند كه مقداري از قدرت و كفايت او را نيز به دست آورده است.(5)
 منبع اصلي همانندسازي در دوران كودكي والدين هستند؛ زيرا كودك، اولين و بيشترين برخورد را در زندگي با والدين خود دارد؛ اما در دوران نوجواني كه فرد از والدينش فاصله مي‏گيرد، الگوهايي را كه خود را با آنها شبيه كرده است، از دست مي‏دهد و در درون او خلأي به وجود مي‏آيد. چنين خلأي مي‏بايد از طريق يافتن الگوهاي ديگر، يعني از طريق همانندسازي‏هاي جديد با ديگري، پر شود.
 به اعتقاد روانشناسان، همين خلأ و احساس ناامني ناشي از آن باعث مي‏شود كه نوجوان در مسير خود به راه حل‏هايي متوسّل شود كه اين راه‏حل‏ها از طريق همانندسازي با شخصيت‏هايي است كه الگوي نوجوان قرار مي‏گيرند. اين شخصيت‏ها مي‏توانند شخصيت‏هاي معروف گذشته، هنرپيشه‏هاي سينما، نوازندگان و آوازخوانان، و يا گروه‏هاي مختلفي مانند »هيپي«ها باشند و فرد، خود را از نظر ظاهري شبيه آنها ساخته، در شيوه لباس پوشيدن و طرز رفتار با آنان همانندسازي كند. به محض اين‏كه يك هنرمند يا ورزشكار لباسي را بپوشد و در صحنه‏اي ظاهر شود، جوانان با وي همانندسازي نموده، سعي مي‏كنند به عنوان مُد، آن را در جامعه طرح كنند.

 3. رقابت و چشم و همچشمي با ديگران
 انگيزه رقابت و چشم و همچشمي با ديگران، از ديگر عوامل پيروي از مُد در بين جوانان و نوجوانان محسوب مي‏شود. اين انگيزه، در همه افراد وجود دارد و به گونه‏هاي مختلف بروز مي‏كند. رقابت اگر در زمينه‏هاي مثبتْ جهت داده شود، باعث پيشرفت و رشد و تكامل معنوي فردي مي‏شود؛ اما اگر جهتگيري آن به‏سوي امور مادّي و مُدپرستي باشد و فرد، سعي كند از لحاظ ظاهري )و مثلاً در سبك و شيوه لباس پوشيدن( از ديگران عقب نماند، سرانجامِ خوبي نخواهد داشت.(6)

 4. مدگرايي و التزام‏هاي ناشي از دوستي
 يكي از عوامل پيروي از مُد در بين جوانان و نوجوانان، ترس و نگراني از مجازات‏هاي خصوصاً غير رسمي از سوي دوستان است. لذا تحقير و تمسخر، پوزخند زدن و متلك گفتن اطرافيان و ترس از آن، باعث مي‏شود كه جوانان و نوجوانان از مُدهاي رايج پيروي كنند.

 5. مدگرايي و جلب توجه ديگران
 افرادي هستند كه با تعويض و تغيير هر روزه لباس و آرايش خود و خريدن لباس‏هاي گران قيمت و مُدِ روز، در صدد جلب توجه ديگران برمي‏آيند. استفاده از لباس‏هاي چسبناك و برّاق و رنگارنگ، جوراب‏هايي شبيه تور ماهيگيري، كفش‏هايي با پاشنه‏هاي خيلي بلند، آرايش تُندي با رنگ‏هاي غير طبيعي و... )كه بيش از همه در بين جوانان و بخصوص دختران رايج است(، باعث جلب توجه ديگران شده، نگاه‏هايي را به خود معطوف مي‏دارد.

 6. مدگرايي و تشخُّص‏طلبي
 برتري‏جويي و تشخّص‏طلبي از ديگر عوامل پيدايش مُد در بين جوانان است. افرادي كه خود را برتر از ديگران و مربوط به قشر مرفّه جامعه مي‏دانند، سعي مي‏كنند اين برتري را در گويش، لباس پوشيدن، محيط آرايي و سبك آرايش و زيورآلات خود نشان دهند و لذا مُدهاي جديد را مطرح مي‏كنند.
 تورْشتايْن وِبْلن (Thorstein veblen) مد را وسيله‏اي براي اين‏كه افراد، نشان دهند ثروتمند و با شخصيت و يا داراي انديشه‏اي خاص هستند، مي‏داند؛(7) لذا به محض اين‏كه مُدي در جامعه گسترده شد، اشراف‏زادگان و ثروتمندان به سراغ اين مد جديد مي‏روند؛ زيرا مُد قديمي ديگر آنها را از طبقات ديگر جامعه متمايز نمي‏كند.

 نقش توليدكنندگان در اشاعه مُد
 شركت‏هاي توليدي از طريق روان‏سنجي و شناخت روحيات افراد جامعه و با توجه به همين روحيه نوگرايي و ميل به امروزي شدن در جوانان، هر روز، يك فُرم شلوار، پيراهن، كفش، كلاه، عينك، آباژور، كاغذ ديواري، گوشي تلفن و... را عرضه مي‏كنند و اندك تغييري از جانب آنها، يك مُد جديد مي‏شود و حتّي گاهي براي آن‏كه كالاي توليدي‏شان زودتر در جامعه مُد شود، از يك فرد مشهور )مثل يك هنرمند سينما يا ورزشكار(، با اِعطاي مبلغ زيادي پول، مي‏خواهند كه براي يك‏بار هم كه شده، از آن كالاي جديد استفاده كند و در فيلم يا صحنه تلويزيون، ظاهر شود.
 يكي از دلايل عمده‏اي كه توليدكنندگان و طرّاحان خارجي توانسته‏اند در سطح جهاني براي خود، جايي باز كنند و مُدآفريني داشته باشند، آشنايي آنها با مباني روان‏شناختي »تأثيرگذاري« و به كارگيري روش‏ها و اصول فنّي مناسب در كار است، در حالي‏كه توليدكنندگان داخلي و محدود، معمولاً به الگوبرداري و تقليد از آنها مي‏پردازند و به نحوي مُدهاي غربي را در جامعه ترويج مي‏كنند.

 رسانه‏ها و ترويج مُد
 شبكه‏هاي تلويزيوني، مطبوعات و پايگاه‏هاي فعّال اينترنتي، انواع مدهاي جديد را تبليغ مي‏كنند و از اين طريق، زمينه را براي گرايش خانواده‏ها و بخصوص جوانان به‏سوي مدهاي نو مهيّا مي‏سازند.

 اسلام، مدگرايي و امروزي شدن
 حال، اين سؤالْ مطرح است كه مدگرايي، تجدُّد و امروزي شدن، تا چه اندازه مطلوب است؟ و نظر اسلام در اين زمينه چيست؟ در يك نگاه كلي، اسلام با همه نوع مُد، مخالف نيست. اسلام، امروزي شدن و نوگرايي در سبك و شيوه لباس پوشيدن را نيز به صورت كلّي پذيرفته است. آنچه اسلام با آن مخالف است، پشت‏پا زدن به ارزش‏ها )مثل: پوشش شرعي، پرهيز از اسراف، و...(، رعايت نكردن اخلاق اجتماعي، آزادي مطلق در روابط دختر و پسر، و همانندسازي با بيگانگان است. حال اگر اين پديده‏هاي انحرافي در قالب مُد به خود جوانان داده شوند و ميل فطري »نوگرايي« و نيازِ »امروز شدن« به لجنزار انحرافات سوق يابد، اسلام با آن مخالف است.
 پس مُدهاي خوب داريم و مُدهاي بد! امروزي شدن نيز همين‏گونه است. گاه، امروزي شدن، رابطه انسان را با گذشته‏اش )كه همان سابقه تاريخي و هويت فرهنگي اوست(، قطع مي‏كند و گاه در امتداد ديروز و با حفظ تعلّقات انسان به سنّت‏ها و ارزش‏هاي پيشين است. اسلام با اين نوع تجدُّد و امروزي شدن كه در راستاي ارزش‏ها و با حفظ اصول و مباني اعتقادي باشد، هيچ‏گاه مخالف نيست.

 آسيب‏شناسي مدگرايي جوانان
 مدگرايي، گرچه ريشه در نيازهاي طبيعي جوانان دارد و برخاسته از روحيه نوگرايي جوانان است، اما به لحاظ آن‏كه مُدها و مُدِل‏ها نمايانگر علايق و ارزش‏هاي مسلّط يك زمان و يك قشر خاص‏اند و افزون بر آن، مي‏بينيم كه امروزه جوانان ما از مدهايي )چون: رَپ، هِوي متال، و...( پيروي مي‏كنند و ناخواسته به ناهنجارهايي رومي‏آورند كه چه بسا با فرهنگ و ارزش‏هاي اجتماعي ما در تضاد است، پس مي‏توان گفت كه مدگرايي در جامعه ما تا حدود زيادي كاركرد منفي به خود گرفته است و پيامدهاي آن، به شدّت، جوانان ما را تهديد مي‏كند. لذا بحث از آسيب‏شناسي مدگرايي ضرورت مي‏يابد.

 پيامدهاي منفي مدگرايي
 با توجه به اين‏كه بيشتر مُدهاي رايج در بين جوانان و نوجوانان برگرفته از الگوهاي بيگانه و غير خودي است، مي‏توان گفت كه مدگرايي به معناي جديد آن، نوعي از خودبيگانگي و تقليد از فرهنگ غربي را القا مي‏كند، تا آن‏جا كه الآن بعضي از جوان‏ها از نوك پا تا فرق سرشان غربي است و حتّي وقتي نگاه مي‏كني، مي‏بيني كلمات يا جملاتي بر روي لباس يا داشبورد ماشين يا آينه و كُمد شخصي يا درِ ورودي مغازه‏شان نوشته شده كه كم‏تر ارتباطي با زندگي شخصي يا آرمان‏ها و علايق فردي آنها دارد و گاه حتّي معناي آن را نيز به درستي نمي‏دانند و شايد اگر بدانند، موجب شگفتي، خنده يا ناراحتي‏شان بشود، عباراتي مثل: »ما پسران شيطانيم«، »گروه لجن!«، »سفيد، امّا آشغال«، »گروه سياهان بوگندو!«، »زيبايي كثيف«، »عشق نشئه«، »گناه تا مرگ«، »بوسه بر صندلي الكتريكي« و...
 اين، چيزي است كه از مُدگرايي يا مدپرستي جوانان امروز ما به چشم مي‏آيد؛ چيزي كه شايد بتوان گفت تا حدّ زيادي، ناشي از تقليد كوركورانه و غفلت از خويش است، چرا كه كلمات و عبارات بالا، شعارهاي آخرين مُدهاي شخصيتي‏اي است كه غربي‏ها به جوانان جهان تقديم كرده‏اند، درحالي‏كه جوان امروز ما، نگاه خاص خودش، شخصيّت خودش و حتي مشكلات خودش را دارد!
 تقليد هر روزه از آخرين مدهاي رايج در جهان غرب، به چه معناست، جز: از خودبيگانگي، بحران هويت، تزلزل شخصيت، وابستگي اقتصادي، احساس حقارت و...؟ از همه دردناك‏تر، اين است كه بسياري از رفتارها و هنجارهايي كه امروزه به عنوان مُد در جامعه ما مطرح است و از سوي عده‏اي تبليغ هم مي‏شود، با اصول اخلاقي و ارزش‏هاي فرهنگي جامعه ما به هيچ وجه همخواني ندارد.
 روابط بي‏قيد و شرط دختر و پسر، عدم رعايت پوشش اسلامي، آرايش مو و صورت صرفاً به قصد جلب توجه )مثلاً به سبك جنس مخالف و يا به سبك‏هاي بسيار پيچيده و وقتگير(، آرايش مو به سبك جوانان منحرف غربي )مثلاً به سبك همجنس‏گرايان(، به كارگيري وسايل تزئيني غيرمتعارف )مثلاً حلقه بيني براي دختران و حلقه گوش و انگشتر طلا براي پسران( و... همه به نحوي شخصيت جوان مدگراي امروزي را به نمايش مي‏گذارندمدهايي كه به اتلاف وقت و انرژي و قابليت‏هاي فكري و سرمايه‏هاي مادّي جوانان و خانواده مي‏انجامند و شايد بتوان گفت كه هيچ سهم و نقشي در نو شدن و امروزي شدن جوان و جامعه ندارند!

 فرهنگ خودي، اصلي‏ترين ضابطه مدگرايي و امروزي شدن
 فرهنگ و ارزش‏هاي اجتماعي از اساسي‏ترين عناصر يك نظام اجتماعي هستند كه پايه ارزيابي ما را از پديده‏هاي اطرافمان تشكيل مي‏دهند و در واقع، رفتار ما را نسبت به آنها تنظيم مي‏كنند. بنابراين، در پذيرش يا عدم پذيرش الگوها و مدهايي كه در جامعه رواج مي‏يابند، ابتدا بايد رابطه آنها را با نظام ارزشي حاكم بر جامعه و اصول و مباني مورد قبول آن مردم، مورد ارزيابي قرار داد و ميزان همگرايي يا واگرايي آنها را از يكديگر سنجيد.
 به عنوان نمونه، مدهاي لباس، اگر در عين جذابيّت و امروزي بودن، برخاسته از فرهنگ خودي باشند و با اصول و مباني اعتقادي و اخلاقي جامعه ما تعارض نداشته باشند، نشانه خلاقيّت و نوآوري جوانان ما بوده، هويت فرهنگي آنان را به نمايش مي‏گذارند. بنابراين، بايد تدابيري سنجيده شود تا مُدها و مُدل‏ها، هم نياز به تنوع‏طلبي و نوجويي و ميل به امروزي شدن جوانان را تأمين كنند و هم جوانان ما از پيامدهاي منفي مدگرايي، درامان بمانند.(8)
 نكته آخر
 همه ما به خوبي مي‏دانيم كه پيروي از الگوها و مدهاي غربي و پوشيدن لباس‏هاي با آرم خارجي يا تقليد از مدل موي سر فلان فوتباليست، نمي‏تواند به ما شخصيت اعطا كند و موجب پيشرفت و ترقّي ما گردد. عوامل اصلي موفقيت در تمامي زمينه‏ها، خودباوري )اعتماد به نفس( و پايبندي به اصول اعتقادي و ارزش‏هاي اخلاقي است.
 تا زماني كه علم و دانش در وجود ما شكوفا نگردد و زيرساخت‏هاي شخصيت ما مبتني بر الگوهاي فرهنگ اصيل اين مرز و بوم، شكل نگيرد، آرايش ظاهر و تقليد از مدها و الگوهاي ديگران، جز بحران هويت و دور شدن از اصالت فرهنگي خويشتن، نتيجه‏اي در پي نخواهد داشت.
 پس بياييد يك‏بار ديگر در رفتارمان تجديدنظر كنيم و اصالت‏هاي فرهنگي‏مان را در پرتو جذابيت‏هاي دروغين فرهنگ بيگانه از دست ندهيم.
 همان‏گونه كه ميل به امروزي شدن و مُدگرايي )كه از ويژگي‏هاي دوران جواني است(، ناخواسته ما را به پيروي از الگوهاي بيگانه مي‏كشانَد، غرور و احراز هويت نيز به همين دوره سنّي اختصاص دارد. چه خوب است غرور ملي و غيرت ديني را در خويش تقويت كنيم و ميل به امروزي شدن و مدگرايي را با الهام گرفتن از آموزه‏هاي تمدّن‏ساز اسلام و فرهنگ غني اسلامي - ايراني خويش و متناسب با هويت فرهنگي خود، به فعليت برسانيم.

 ضميمه بحث
 براي تكميل و جمع‏بندي بحث، بهتر آن ديديم كه ديدگاه‏هاي مقام معظم رهبري را در اين زمينه ارائه كنيم و در پايان نيز به ذكر مطالبي عرفاني از قلب به حق پيوسته حضرت روح‏الله‏قدس سره تقديم كنيم كه حُسن ختام و فصل الختام همه نظرهاست.

 بحث پوشش زن نبايد از هجوم تبليغاتي غرب متأثر باشد
 به نظر ما، بحث‏هايي كه درباب پوشش زن مي‏شود، بحث‏هاي خوبي است كه انجام مي‏گيرد؛ منتها بايد توجه كنيد كه هيچ بحثي در اين زمينه‏هاي مربوط به پوشش زن، از هجوم تبليغاتي غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بياييم با خودمان فكر كنيم كه حجاب داشته باشيم، اما چادر نباشد؛ اين فكر غلطي است. نه اين كه من بخواهم بگويم چادر، نوع منحصر است؛ نه.
 من مي‏گويم چادر بهترين نوع حجاب است؛ يك نشانه ملي ماست؛ هيچ اشكالي هم ندارد؛ هيچ منافاتي با هيچ نوع تحركي هم در زن ندارد. اگر واقعاً بناي تحرك و كار اجتماعي و كار سياسي و كار فكري باشد، لباس رسمي زن مي‏تواند چادر باشد و - همان‏طور كه عرض كردم - چادر بهترين نوع حجاب است.
 البته مي‏توان محجبه بود و چادر هم نداشت؛ منتها همين‏جا هم بايستي آن مرز را پيدا كرد. بعضي‏ها از چادر فرار مي‏كنند، به خاطر اين كه هجوم تبليغاتي غرب دامنگيرشان نشود؛ منتها از چادر كه فرار مي‏كنند، به آن حجاب واقعي بدون چادر هم رو نمي‏آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار مي‏دهد!
 شما خيال كرده‏ايد كه اگر ما چادر را كنار گذاشتيم، فرضاً آن مقنعه كذايي و آن لباس‏هاي »وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلي جُيُوبِهِنَّ«(9) و همان‏هايي را كه در قرآن هست، درست كرديم، دست از سر ما بر مي‏دارند؟ نه، آن‏ها به اين چيزها قانع نيستند؛ آن‏ها مي‏خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان عيناً اين‏جا عمل بشود؛ مثل زمان شاه كه عمل مي‏شد.
 در آن زمان، زن اصلاً پوشش و حجابي نداشت؛ حتّي در اين‏جاها وقتي نوبت به اين كارها مي‏رسد، بي‏بندوباري خيلي بيشتر هم مي‏شود؛ كمااين كه در زمان شاه، بي‏بندوباري‏يي كه در همين شهر تهران و بعضي ديگر از شهرهاي كشور ما بود، از معمول شهرهاي اروپا بيشتر بود! زن معمولي در اروپا، لباس و پوشش خودش را داشت؛ اما در اين‏جا آن‏طوري نبود. آن‏طور كه ديده بوديم و شنيده بوديم و مي‏دانستيم و مناظري كه از آن وقت الان جلوي نظر من هست، انسان واقعاً حيرت مي‏كند كه چرا بايستي اين‏گونه بشود؛ كمااين كه در خيلي از كشورهاي متأسفانه عقب‏مانده مسلمان و غيرمسلمان هم همين‏طور است. بنابراين، بايد به دقت و با نهايت كنجكاوي و بدون اغماض، مسائل ارزشي را رعايت كرد.(10)

 زن با پوشش و حجاب صحيح كرامت خود را حفظ مي‏كند
 تجمل در حد معقول را اسلام هم رد نكرده، اما در حد غير معقول به شكل مسابقه و به شكل چشم و هم چشمي و رقابت و وابسته كردن زن به تجملات از چيزهاي انحرافي و درست در جهت عكس آن هدفي است كه اسلام براي زن‏ها در نظر دارد، اين پايه و قاعده حركت ما است كه امام‏قدس سره روي آن درباره زن تكيه داشتند. به هر حال يكي از كارهايي كه واجب است اين است كه بايد به شدت مبارزه كرد و ما در اين قضيه نه فقط مدافع نيستيم بلكه مهاجم هم هستيم.
 يك وقت در يك قضيه‏اي كسي از من پرسيد شما در مورد اين قضيه چه دفاعي داريد. من گفتم نه اينكه دفاع ندارم، بلكه هجوم دارم و هجوم من هم اين است كه ما از غرب طلبكاريم. اين ما هستيم كه به غرب مي‏گوييم شما داريد به زن اهانت مي‏كنيد. شما دروغ مي‏گوييد كه ما دو جنس را برابر دانستيم. اين يك نوع فريب و ترفند سياسي فرهنگي است. شما با اين روش داريد به زن خيانت مي‏كنيد.
 ما مي‏گوييم زن با پوشش و حجاب صحيح كرامت خودش را حفظ مي‏كند و خودش را از آن حدي كه مردان هرزه عالم مي‏خواهند )كه در همه زمان‏ها و مكان‏ها مرد هرزه وجود دارد( بالاتر مي‏آورد. اينكه قرآن مي‏فرمايد: »فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ«(11) برخورد زن با مرد نبايد برخورد خضوع‏آميز باشد.
 مسائل طبيعي و غريزي بين زن و مرد جاي خودش را دارد و اشكالي هم ندارد. لكن خضوع زن در مقابل مرد همين چيزي است كه امروز در غرب وجود دارد. اين روشي كه امروز زن را در رفت و آمدها جلو مي‏اندازند كه خانم جلوتر از آقا مي‏رود اين ظاهر قضيه است، اما باطن قضيه درست عكس اين است.(12)

 دوست ندارم دختر و پسر ما در نوع آرايش و لباس و... دائم چشمشان به غربي‏ها باشد
 من مي‏خواهم بگويم اگر شما موي سرتان را مي‏خواهيد آرايش كنيد، اگر مي‏خواهيد لباس بپوشيد، اگر مي‏خواهيد سبك راه رفتن را تغيير دهيد، بكنيد؛ اما خودتان انجام دهيد؛ از ديگران ياد نگيريد.
 در كشورهاي غربي و بيشتر از همه در امريكا، حدود سه چهار دهه پيش يك مشت جوان بر اثر واخوردگي از شرايط اجتماعي، دچار حركت‏هايي شدند، كه البته تا امروز هم ادامه دارد. در زمان ما مظهر اين افراد، بيتل‏ها بودند كه با آرايش عجيب و غريب و با نوعي موسيقي شبيه موسيقي پاپ - كه الان در دنيا معمول است - ظاهر مي‏شدند.
 بنده بعد از انقلاب به الجزاير رفتم. در خيابان ماشين ما عبور مي‏كرد. يك وقت ديدم پسر جواني نصف موي سرش را تراشيده و نصف ديگر را باقي گذاشته است. هرچه من نگاه كردم، ديدم اين آرايش، هيچ زيبايي ندارد. مشخص بود او از كساني تقليد كرده است. در الجزاير، فشار صنعتي و فشار ابزار توليد و تكنيك بر زندگي مردم اصلاً آنقدر نيست كه يك جوان، احساساتي را پيدا كند كه در امريكا يا انگليس يا در جاي ديگر پيدا مي‏كرد؛ اما چون ديده بود آن‏ها انجام داده‏اند، او هم انجام مي‏داد. بنده با اين چيزها مخالفم و دوست نمي‏دارم جوان ما اين‏طوري حركت كند و دختر و پسرِ ما دائم چشمشان به آن‏ها باشد.(13)

 با مُد خيلي موافقم، اما مُدي كه از داخل جوشيده باشد نه مُد غربي
 بنده با مُد خيلي موافقم؛ جزو آدم‏هايي هستم كه به مُد گرايش دارم، اما مُدي كه از داخل جوشيده باشد چون مُد يعني ابتكار و نوآوري نه چيزي كه از بيرون بيايد. مُد آرايش مو و لباس و حرف زدن ما همه‏اش دارد از بيرون مي‏آيد ... .
 الگوي مصرف وسائل زندگي مهم است؛ فرش و پرده و چراغمان چه‏طوري باشد؛ اين‏ها را نمي‏شود نديده گرفت. اگر كسي توي بحر اين كارها برود، مي‏بيند چقدر سرمايه و فكر و همت و هنر دارد صرف اين‏ها مي‏شود كه گاهي بسياري از آن‏ها بيهوده است.(14)

 اسرار پوشش بدن از ديدگاه حضرت امام‏قدس سره
 حيف است در ادامه اين بحث، يادي از توصيه‏هاي اخلاقي، عرفاني حضرت امام نكنيم. چرا كه سخنان آن عزيز، چون از دل برمي‏خيزد بر دل نيز مي‏نشيند. آن بزرگوار در كتاب سرالصلاة در بحث سرّ پوشش مي‏فرمايند:
 »و حقّ تعالي، جلّت رحمته و وسعت ستّاريّته )كه رحمتش وسيع و ستاريت او بسيار است(، ستّار جميع عورات و مقابح )زشتي‏ها( خلق است به كرامت نمودن اين نوع بشري را به البسه گوناگون كه آنها را از مقابح ظاهريّه بدنيّه ستر نمايد.
 و ستر فرموده مقابح اعمالي را به پرده ملكوت(15) و اگر اين پرده ستّاريّت ملكوتيّه بر صُوَر اعمال ما بندگان نبود و صورت غيبيّه )باطني( آنها ظاهر مي‏شد، در همين عالم رسوا و خوار مي‏شديم، لكن حقّ تعالي جلّ شأنه با ستّاريّت خود آنها را از انظار اهل عالم مستور فرموده. و ستر فرموده مقابح اخلاقي و ملكوت ملكات خبيثه )باطن اعمال زشت( ما را به اين صورت معتدله مستقيمه مُلكيّه.
 و اگر هتك فرموده بود )دريده بود( اين ستر را و صُوَر ملكات اخلاق، ظاهر مي‏شد، هر يك، به يك صورت مناسبه با آن ملكه باطنيّه بوديم، چنانچه در غير اين عالم كه وقت ظهور سراير است و يوم بروز ملكات است چنين خواهد شد. وفي الحديث:
 »يحشر بعض علي صور تحسن عندها القردة و الخنازير«.(16)
 و در كافي شريف است كه:
 »متكبّر محشور شود به صورت مورچه ضعيفي و پايمال خلايق گردد تا مردم از حساب فارغ شوند.«(17) بالجمله، اين صورت انسانيّه )بدن ظاهري انسان( پرده ستّاريّت حقّ است به روي عورات باطنيّه ما، )زشتي‏هاي باطني ما(... . و بر سالك سبيل آخرت و مجاهد في سبيل اللّه لازم است كه ستر عورات باطنيّه و سرّيه خود را بنمايد به تمسّك )چنگ زدن( به مقام غفّاريّت و ستّاريّت حقّ، و به تحقّق به حقيقت توبه و ورود به منزل انابه، خود را و عورات خود را مستور نمايد.
 وصل: عن مصباح الشّريعة، قال الصّادق‏عليه السلام: ازين اللّباس للمؤمنين لباس التّقوي و انعمه الايمان، قال اللّه عزّ و جلّ: »و لباس التّقوي ذلك خير.« و امّا اللّباس الظّاهر فنعمة من اللّه يستر عورات بني آدم، و هي كرامة اكرم اللّه بها عباده ذرّية آدم‏صلي الله عليه وآله ما لم يكرم غيرهم، و هي للمؤمنين آلة لأداء ما افترض اللّه عليهم. و خير لباسك ما لا يشغلك عن اللّه عزّ و جلّ، بل يقرّبك من شكره و ذكره و طاعته و لا يحملك فيها إلي العجب و الرّئاء و التّزيّن و المفاخرة و الخيلاء، فانّها من آفات الدّين و مورثة القسوة في القلب...
 ]امام صادق‏عليه السلام فرمود: آراسته‏ترين جامه‏ها براي مؤمنان جامه پرهيزكاري است، و نرمترين آنها، جامه ايمان است. خداي عزّ و جلّ فرموده است: و لباس تقوي بهترين است. اما جامه ظاهر نعمتي است از جانب خدا كه عورات )شرمگاههاي( بني آدم را مي‏پوشاند و كرامتي است كه خدا بندگان خود - فرزندان آدم‏عليه السلام - را بدان گرامي داشت و به ديگران چنين كرامتي نفرمود. اين جامه براي مؤمنان وسيله‏اي است براي انجام دادن آنچه خدا بر آنان واجب فرموده است.
 و بهترين لباس تو آن است كه تو را از خداي عزّ و جلّ باز ندارد، بلكه به سپاس و ياد خدا و طاعت او نزديكت سازد، و تو را به خود پسندي، خود نمايي، خود آرايي و فخر فروشي و تكبر سوق ندهد، كه اين‏ها همه از آفات دين و موجب قساوت قلب هستند.
 پس چون جامه‏ات را پوشيدي به ياد آر پوشيده داشتن خداي تعالي گناهان تو را به رحمت خود. و باطن خود را به جامه راستي بپوشان آنچنانكه ظاهر خود را به جامه مي‏پوشاني، و بايد باطن تو در پوشش ترس )از خدا( و ظاهرت در پوشش طاعت خدا باشد. و از فضل خدا عزّ و جلّ عبرت بگير كه وسايل پوشش را آفريد تا عورات ظاهر را بپوشاني و درهاي توبه و باز گشت را بگشود تا عورتهاي باطني چون گناهان و اخلاق بد را بدان بپوشاني.
 و هيچ كس را رسوا مكن زيرا خداوند رسوايي تو را كه بزرگتر از رسوايي او است، مستور داشته. و به عيب خويشتن پرداز، و از آنچه كه حال و امرش به تو مربوط نمي‏شود در گذر. و بپرهيز از اينكه عمر خود را براي عمل ديگران تباه سازي و با سرمايه تو ديگري سودا كند و تو خود هلاك گردي، كه همانا فراموش كردن گناهان از بزرگترين كيفرهاي خداوند تعالي در حال  ]دنيا[ و بيشترين اسباب كيفر در آينده ]آخرت[ است، و تا هنگامي كه بنده به طاعت خدا و باز شناسي عيبهاي خود و ترك آنچه كه در دين خدا زشت شمرده شده مشغول است، از آفت‏ها به دور و در رحمت خدا غوطه‏ور است و به گوهرهاي فوايد حكمت و بيان دست مي‏يابد، و تا وقتي كه گناهان خود را فراموش كرده معايب خود را نداند و به جنبش و توان خود اعتماد داشته باشد، هرگز رستگار نخواهد شد.« راست گفت وليّ خدا. مصباح الشّريعة، باب 7.]
 تفكّر و تدبّر در اين كلام جامع، براي اهل معرفت و اصحاب قلوب فتح ابوابي از حكم و معارف مي‏كند، و كيفيّت معامله بندگان را با حقّ تعالي نشان مي‏دهد.
 سالك إلي اللّه و مجاهد طريق معرفت بايد در هيچ حالي از احوال و طوري از اطوار از وظيفه عبوديّت و حفظ محضر ربوبيّت، جلّت عظمته، غفلت نكند، حتي در امور عاديه و آداب معاشرت حظّ قلوب و ارواح را عطا كند، و حقّ تعالي و نعم و عطيّات او را در هر چيز مشاهده كند.
 پس در وقت پوشيدن لباس ظاهر، از لباس تقوي و ايمان و معرفت، كه خير البسه هستند، غفلت نكند. و چنانچه با لباس ظاهر ستر عورت ظاهري كند، با آن البسه ستر عورات باطنه، كه قباحت و زشتي آنها بالاتر است، نمايد و كرامات حقّ تعالي و الطاف آن ذات مقدّس را منظور كند. و لباس ظاهر را براي اداء وظيفه عبوديّت، و لباس باطن را براي آداب حضور در محضر ربوبيّت بپوشد. و در البسه ظاهريّه و باطنيّه بهترين آنها آن را داند كه او را به ياد حقّ آورد و از ذكر او غافل نكند. ]حال درباره اينكه چقدر لباس‏هايي كه ما مي‏پوشيم ما را به ياد حق و ذكر او مي‏اندازد و يا از ياد خدا غافل مي‏كند، خودتان قضاوت كنيد؛ يعني درست 180 درجه برعكس رضاي خدا در حال حركتيم[.

 لباسي كه باعث عُجب و تفاخر و تكبر و برتري‏طلبي بر ديگران باشد
 پس در مادّه و هيئت لباس ظاهر، اختيار چيزي كند كه اسباب سركشي نفس نشود و مورث )باعث( غفلت از حق نگردد و او را در زمره اصحاب عجب و رياء و مفاخرت و تكبّر و تزيّن منسلك نكند، و ملتفت باشد كه ركون )توجه و توقف( به دنيا - حتّي در اين امور - را در قلب تأثيرات غريبي است كه موجب هلاكت آن است، و بداند كه اين آثاري كه در نفس به واسطه بعض البسه فاخره حاصل مي‏شود، از آفات دين و مورث قسوت قلب است كه خود از امّهات امراض باطنيّه است.
 ×توضيح: حضرت امام‏قدس سره در اين فراز مي‏فرمايند:
 لباسي كه براي فخرفروشي و تكبر و به قول خودمان منحصر به فرد بودن خود در بين ديگران مي‏پوشيد، اثرات هلاكت‏باري بر قلب انسان مي‏گذارد و قساوت قلب را به دنبال دارد. البته مقصود از لباس، هر چيزي است كه انسان در ظاهر خود استفاده مي‏كند: اعم از مانتو، كفش، جوراب، كليپس سر، زيورآلات، ساعت، مقنعه، هدبند و... . يعني اگر در به كار بردن هر كدام از اينها هدف شخص اين باشد كه به نحوي خود را مطرح كند، اين خودپرستي است؛ يعني انسان براي رضاي خدا كفش نپوشيده، براي رضاي خدا ساعت به دست نكرده، بلكه هدفش اين بوده كه با هر كدام از اينها خود را مطرح كند. حال ببينيد در جلسات عقد و عروسي‏هاي ما كه هيچ، در زندگي روزمره ما در بين پسر و دختر و زن و مرد جامعه ما چه مي‏گذرد. چه مسابقه عظيمي بين تك تك ما جريان يافته كه هر روز با انواع مُدها مي‏خواهيم به گونه‏اي مورد جلب توجه ديگران قرار گيريم و خود را مطرح كنيم. به ما گفته‏اند به گونه‏اي كفش و لباس بپوشيد، به گونه‏اي چادر به سر كنيد، به گونه‏اي... كه هر كس لباس پوشيدن شما را ديد به ياد خدا بيفتد نه به ياد فلان بازيگر فوتبال يا فلان فيلم و... .
 در ادامه حضرت امام‏قدس سره مي‏فرمايند:
 اين گونه لباس پوشيدن متكبرانه باعث قساوت قلب مي‏شود. خوب، از خصوصيات اين قلب چيست؟ از ويژگي‏هايش اين است كه:
 1. دائم به فكر مُد جديد است كه از جامعه عقب نماند،
 2. اسراف در خريد،
 3. تفاخر و فخر فروشي مداوم،
 4. نبود وقت كافي براي عبادت و مناجات با خدا،
 5. مستجاب نشدن دعاهاي اين شخص،
 6. و... .
 و در البسه باطنيّه خيلي اهتمام كند كه شيطان و نفس امّاره را در آنها تصرفي نشود و او را مبتلا به عجب و رياء و سركشي و افتخار نكند و بر بندگان خدا به دين خود يا به تقوي و طاعت و كمال و معرفت و علم افتخار ننمايد و تكبّر نفروشد و از عواقب امر خود و مكر اللّه ايمن نباشد و بندگان خدا را، هر چند در لباس اوباش و اهل معصيت هستند، حقير نشمارد، كه اين‏ها از مهلكات نفس است و موجب عجب به ايمان و اخلاق و اعمال است كه سر چشمه همه مفاسد است.
 و در وقت پوشيدن لباس متذكّر حقّ شود و رحمتهاي ظاهره و باطنه او كه ستر ذنوب او فرموده به رحمت خود، و با حقّ تعالي به اخلاص و صدق معامله كند، و ظاهر را به ستر طاعت، و باطن را به ستر خوف و رهبت، مزيّن نمايد، و متذكّر عنايات حقّ شود كه اسباب ستر عورات ظاهره و باطنه را مرحمت فرموده و راه توبه و انابه را به روي بندگان مفتوح فرموده كه به ستر غفّاريّت و ستّاريّت حقّ، خود را مستور كنند و عيوب خود را بپوشانند.(18)

...................( پاورقي ).................
1) براي مطالعه بيشتر ر.ك به: روانشناسي رشد، وندر زندن، ترجمه: حمزه گنجي، انتشارات بعثت، 1376، بخش سوم.
2) درآمدي بر تئوري‏ها و مدل‏هاي تغييرات اجتماعي، احمدرضا غروي‏زاد، تهران: جهاد دانشگاهي، 1373، ص 196.
3) لغت‏نامه، علي‏اكبر دهخدا، ج 12، ص 18115.
4) براي مطالعه بيشتر، ر.ك به: درآمد بر مكاتب و انديشه‏هاي معاصر فرهنگ واژه‏ها، عبدالرسول بيات و همكاران، مؤسسه انديشه و فرهنگ ديني، 1381.
5) زمينه روانشناسي، ريتا اتكينسون، ترجمه: محمدتقي براهني و همكاران، ج 1، تهران: رشد، 1375، ص 158 .
6) براي مطالعه بيشتر، ر.ك به: آناتومي جامعه، فرامرز رفيع‏پور، تهران: شركت سهامي انتشار، 1378، بخش 7 و 8 .
7) Veblen, Thorstein )1191(. the theory of the leisure class.new york. p 7
8) انتشار سه نشريه ويژه مد در ايران )كه هم زمان به مباحث نظري و نمونه‏هاي ايراني مد مي‏پردازند(، شايد بتواند گام نخست در اين زمينه باشد: ماهنامه طرح و مد ويژه لباس، محيط و تزيينات(، ماهنامه لوتوس )ويژه مدهاي ايراني لباس( و ماهنامه آرايه )ويژه محيطآرايي و تزيينات داخلي(. )حديث زندگي(
9) سوره نور: آيه 31.
10) بيانات رهبر معظم انقلاب در جلسه حجاب اسلامي به مناسبت ميلاد حضرت فاطمه زهراعليها السلام، 1370/10/4.
11) سوره احزاب: آيه 32.
12) بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار اعضاي شوراي مركزي جمعيت زنان، 1371/2/15.
13) بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار جوانان، اساتيد، معلمان و دانشجويان دانشگاه‏هاي استان همدان، 1383/4/17.
14) بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار اعضاي شوراي عالي انقلاب فرهنگي 1381/9/26
15) كه در برخي روايات به 40 پرده ملكوتي اشاره شده كه بر صورت ملكوتي انسان كشيده شده تا مانع رسوايي او بر اثر گناهان شوند.
16) برخي از مردم به شكلي محشور مي‏شوند كه ميمونها و خوكها در مقايسه با آنها زيبا به شمار مي‏آيند«.
 علم اليقين، ج 2، ص 901.
17) اصول كافي، ج 3، ص 424، )كتاب الايمان و الكفر«، »باب الكبر«، حديث 11.
18) سرالصلاة، امام خميني، صص 49-53.